

بررسی و تحلیل اعتبار نقد منابع اطلاعاتی

■ دکتر فریبرز درودی

مدیر کل اطلاع‌رسانی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

چکیده

نقد، عملی است روشمند و مبتنی بر اصولی که می‌تواند در دنیای نشر با سودمندی‌های قابل توجهی قرین باشد. به‌رغم اهمیتی که نقد در میان انجمن‌های علمی و متخصصان رشته‌های گوناگون دارد، بررسی میزان سنجش اعتبار آن نیز از حساسیت خاصی برخوردار است و لازم است با ارزیابی مناسب به میزان صحت و اعتبار آن مبادرت ورزید. از این‌رو تعیین عناصر اصلی و مهم برای تشخیص معتبر بودن نقد از جمله اقدام‌های بنیادی در این زمینه مطالعاتی است. مطالعه درباره شخصیت علمی نگارنده، اتخاذ شیوه مناسب و مطلوب در معرفی اثر و نیز روش تجزیه و تحلیل متن و ارائه مباحث از جمله معیارهای مهم در سنجش اعتبار نقد است. بررسی صحت اطلاعات مندرج در نقد نیز نقش مهمی در سنجش اعتبار آن دارد. روش تدوین نقد متون و فرآیند پردازش محتوای آن نیز کیفیت نگارش را ارتقاء می‌بخشد؛ تعصب و سوگیری در متون علمی اثربخشی نقد را تضعیف می‌سازد. انواع شیوه‌های بیان مطالب علمی از سوی متخصصان و اندیشمندان در حوزه‌های گوناگون علمی را می‌توان در بررسی اعتبار نقد مد نظر قرار داد. از دیگر معیارهای موثر می‌توان به محمل و منبعی اشاره کرد که نقد را ارائه می‌دهد. باید توجه داشت که به سبب امکان درک ناصحیح و نامناسب، ناقد می‌بایست در شناخت متن بسیار دقیق باشد.

کلیدواژه‌ها: نقد، ارزشیابی، اعتبار، منابع اطلاعاتی

مقدمه

نقدهای منتشرشده است. با بیان این مطلب می‌توان به نکاتی در خصوص شرایط و ویژگی‌های نقد منابع اطلاعات پرداخت تا دارای دقت بیشتری باشد.

نقد در واقع کاوش و جداسازی انتقادی ساختار، مباحث و شواهد موجود در اثر است (پاورز^۱، ۲۰۰۶). نقد در ذات خود با قضاوت ارتباط دارد و بنابراین در دایره نظام ارزشی قرار می‌گیرد. در چنین حالتی لغزش و خطا در برداشت ناقد محتمل است. با پذیرش چنین گزاره‌ای، نیاز به ابزاری برای سنجش میزان اعتبار نگارش انتقادی کاملاً منطقی است. از همین‌رو ضروری است تا با سنجش میزان اعتبار نقدهای منتشرشده به صحت و پالایش اطلاعات تخصصی یاری رساند.

در نقد باید روشی را انتخاب کرد که با راهنمایی‌های حرفه‌ای مناسب‌تر است (پروکتر^۱، ۱۹۹۹) و به ابعادی توجه داشت که امکان تحلیل بهتر اثر را فراهم می‌کند. از سوی دیگر شایسته است ناقد کتابی را نقد کند که در حوزه کاری وی باشد و زمینه فکری و تخصصی آن را داشته باشد. همچنین اثر روزآمد بوده و از اهمیت بالایی در عرصه علمی مورد نظر برخوردار باشد

نقد^۱ منابع اطلاعاتی^۲ از جمله راهبردهای^۳ موثر برای افزایش اثربخشی اطلاعات^۴ است. با توسعه و افزایش انتشارات علمی^۵، سنجش صحت اطلاعات^۶ و اعتبار^۷ منابع اطلاعاتی در حوزه‌های علمی دارای اهمیت به‌سزایی است.

هدف از نقد کتاب ارائه ارزیابی انتقادی از کتاب بوده که عملی فکری است (وبگاه دانشکده منطقه‌ای گراند پرری). در منابع مختلف همواره تعداد قابل توجهی نقد و متون تحلیلی منتشر می‌شود که هر یک از آنها به جنبه‌هایی از آثار تخصصی می‌پردازند. سنجش میزان اعتبار نوشته‌های انتقادی از ملاک‌های مهم برای ارزشیابی علمی است که می‌توان با تکیه بر آن به پالایش اطلاعات مبادرت ورزید.

در واقع اعتبار نقد منابع اطلاعاتی از این نظر حائز اهمیت است که نقد ارتباط مستقیمی با توسعه علمی^۸ دارد؛ یعنی نقدی که درباره یک متن به رشته تحریر درمی‌آید، می‌تواند منظری نوین و دیدگاهی اصلاحی بر یک اندیشه محسوب شود. لذا در زمینه پیشرفت حرفه‌ای^۹ تأثیر به‌سزایی از خود برجای می‌نهد.

یکی از مسائل قابل بررسی در این عرصه، بحث اعتبار



در نقد باید روشی را انتخاب کرد که با راهنمایی‌های حرفه‌ای مناسب‌تر است و به ابعادی توجه داشت که امکان تحلیل بهتر اثر را فراهم می‌کند

نقد و اهمیت آن

در اصطلاح ادبیات، نقد تشخیص معایب و محاسن سخن است (ده بزرگی، ۱۳۸۴، ص ۷). از سوی دیگر نقد در حقیقت عبارت از تعیین مقام، موقع و اصالت یک اثر است (داوری اردکانی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۲). می‌توان گفت نقد یکی از راهکارهای موثر و سودمند در اصلاح اندیشه است. نقد عبارت است از بررسی و سنجشی روشمند به‌منظور اصلاح کاستی‌ها و تقویت نقاط قوت یک نوشتار، فکر و یا ایده. تعاریف متعددی از نقد ارائه شده که در آثار گوناگون مکتوب می‌توان مشاهده کرد؛ ولی هسته اصلی و محور کلان مفهوم نقد به این معنا اشاره دارد که نقد فرآیند تسهیل‌کننده و پیش‌برنده در توسعه علم است. از این منظر فعالیتی مدون و نظام‌مند^{۱۲} محسوب می‌شود که مبتنی بر روش‌شناسی علمی^{۱۳} است. در واقع نقد تحلیلی از متن است که در حوزه شناخت حرفه‌ای، قابلیت‌های بالقوه و موجود در نوشتار را آشکار می‌سازد. بر همین اساس باید اظهار کرد که نقد به مثابه یک صافی^{۱۴} عمل کرده و ناخالصی‌های متن را جدا می‌سازد. نقد می‌تواند در نقش معیاری برای سنجش اعتبار متن نیز در نظر گرفته شود و بر اساس آن میزان صحت اطلاعات در بوت‌ه آزمون قرار گیرد. امروزه کاربرد نقد در جوامع علمی گسترش یافته و مجله‌های متعدد تخصصی بخش‌هایی از فضای نشر اطلاعاتی خود را به این مقوله اختصاص داده‌اند. همچنین منابع مستقلاً در ارتباط با نقد متون و منابع اطلاعاتی به چاپ می‌رسد که حاوی اطلاعات مفیدی در این حوزه مطالعاتی است.

به‌علاوه نقد در چارچوبی تحلیلی مطرح می‌شود که این قالب مدون می‌تواند در ارتباط با زمینه‌های مختلف موضوعی به نقش آگاه‌سازی خود بپردازد. در این رابطه باید گفت که نقد با تکیه بر روشی سازمان‌یافته و متکی بر عناصر هسته‌ای شکل می‌گیرد که می‌توان آن را در حکم یک ساختار اطلاعاتی^{۱۵} مستقل معرفی کرد. از سوی دیگر چپستی و ماهیت نقد به این نکته مهم راجع

است که ناقد^{۱۶} در فرآیند نقد^{۱۷} تلاش می‌کند به مفهوم و معنای واقعی در متن دست یابد. تمام تلاش نگارنده اثر برای بیان معنا در زیر نگاه دقیق و تحلیل‌گرانه ناقد تجزیه شده و مورد ارزشیابی قرار می‌گیرد.

ساختار نقد

واعظی بیان می‌کند که فیلسوف باید به معرفت‌شناسی و نقد^{۱۸} توجه کند؛ یعنی در جهت تعیین و تشخیص اشکال و مقولاتی تلاش کند که عمل‌شناسایی را ممکن می‌سازند (واعظی، ۱۳۸۰، ص ۳۳۴). چه فیلسوف و چه هر شخصی که نسبت به اندیشه‌های انتقاد و تحلیل روا می‌دارد، باید کوشش کند به سنجشی متناسب و مناسب دست زند. در واقع نقد با معیارهایی به انجام می‌رسد که نقش ارزیابی را تقویت کرده و به هدف مشخصی که همانا تعیین معنای واقعی متن است نائل شود. نقد همچنین رسالت اصلاح متن را به انجام می‌رساند.

ساختار نقد منابع اطلاعاتی بر اساس مولفه‌هایی شکل می‌گیرد که در تبیین نقد نقش اساسی و بنیادی دارند. بر این مبنا برخی عوامل اصلی نقد متون، چارچوبی را تشکیل می‌دهند که می‌تواند با تکیه بر عناصر مهم نقد به تدوین ساختار مفهومی^{۱۹} و نیز شکلی نقد مبادرت ورزید. فرزاد (۱۳۸۱، ص ۳۶) با تکیه بر مفاهیم بنیادی نقد اظهار می‌کند که نقد از دیرباز در معنای عیب‌جویی به کار رفته است. همچنین اسلامی (۱۳۸۳، ص ۲۷) می‌گوید که نقد حداقل دارای دو عنصر است که بدون آنها چیزی به نام نقد نخواهیم داشت؛ این دو عنصر عبارتند از: داوری و خرده‌گیری. ولی سخنور (۱۳۷۹، ص [الف]) نقد را در چارچوب نقد ادبی تعریف کرده و بیان می‌کند که نقد ادبی عبارت است از تحلیل، تفسیر یا ارزیابی آثار ادبی و به‌هیچ‌وجه مفهوم عیب‌جویی ندارد. نقد به مثابه تلاشی علمی بیانگر چگونگی دریافت خواننده است از آنچه در متن رخ

می‌دهد. شمیسا (۱۳۸۵، ص ۲۶) نیز با عنایت به نقد ادبی که حیطة وسیع معنایی را پوشش می‌دهد تصریح می‌کند: «اما در دوران جدید مراد از نقد ادبی نشان دادن معایب اثر نیست (هر چند ممکن است به این امر هم اشاراتی داشته باشد) زیرا نقد ادبی به بررسی آثار درجه یک و مهم ادبی می‌پردازد و در اینگونه آثار بیش از اینکه نقاط ضعف مهم باشد، نقاط قوت مطرح است». دستغیب (۱۳۷۸، ص ۱۷) نیز نقد را تحقیق و سنجش به منظور شناخت اثری هنری و فلسفی و شناخت ارزش آن نسبت به اصول کلی اثر معرفی می‌کند.

نقد در ذات خود با قالب‌های تحلیلی^{۲۰} قرین و همراه است. در ارتباط با چارچوب کلان نقد باید بیان کرد عوامل هسته‌ای که تشکیل‌دهنده نقد علمی^{۲۱} هستند، در تعامل و ارتباط مستقیم با یکدیگر قرار دارند. بر این اساس نقد یک قالب اطلاعاتی - تحلیلی است که به اصلاح فقره‌های اطلاعاتی یاری می‌رساند. ساختار نقد با فعالیت‌های نگارشی چون معرفی، تشریح، توضیح، تحلیل و ارزیابی شکل می‌گیرد. هر نقد با توجه به سازه‌های اصلی تشکیل‌دهنده خود می‌تواند در حکم یک پیشینه اطلاعاتی^{۲۲} مرتبط با اطلاعات سازمان‌یافته ظهور کند. نقد دارای ساختاری مدون و تثبیت‌شده است که از نظر شکلی و محتوایی قالب‌های مشخصی را پوشش می‌دهد. یک نقد علاوه بر مقدمه‌ای که در باب موضوع اصلی متن مطرح می‌سازد به معرفی نویسنده و پدیدآورنده اثر پرداخته، موقعیت علمی و آثار مکتوب او را تشریح می‌کند. همچنین با معرفی و توضیح اثر خواننده را به شیوه مناسبی با موضوع و محتوای متن آشنا می‌کند. علاوه بر آن دارای بررسی محتوایی متن است که ارزیابی و تحلیل مناسب از نوشتار را دربرمی‌گیرد. همچنین نقد معمولاً نتیجه‌گیری و خلاصه‌ای موجز از کلیت متن ارائه می‌دهد که در شناخت مناسب خواننده از اثر موثر است. می‌توان بیان کرد که این نتیجه‌گیری حاوی نکات عمده‌ای است که چارچوب کلان نقد را مطرح می‌سازد.

برداشت‌های متفاوت از فرآیند نقد

در نگارش نقد با دو شیوه مختلف مواجهیم. هر یک از دو روش برای خواننده انتظاری از نقد مکتوب فراهم می‌سازد. از یک سو با متنی سروکار دارد که امکان قبول یا رد آن و نیز پذیرفتن برخی ابعاد و رد کردن پاره‌های دیگر، پیش‌روی وی قرار می‌گیرد و از سوی دیگر اعتماد مخاطب نقد را در بوته آزمون قرار می‌دهد.

ابتدا برداشتی وجود دارد که مبتنی بر نظریه تردید^{۲۳} در خصوص نقدهای مکتوب است؛ به این معنی که نقد در نگاه نخست قابل اعتماد نیست مگر اینکه با تکیه بر ادله منطقی به خواننده ثابت شود معیارهای مورد استفاده ناقد از قوت و استواری مناسب برخوردارند. بنابراین مخاطب با بهره‌گیری از برخی عناصر ممیز و تشخیص بر اساس پیش زمینه شناخت و ادراک خویش به بررسی نقد می‌پردازد و میزان صحت و بی‌طرفی نقد را برای خویش تبیین می‌کند.

در مقابل این نظر ایده دیگر بر مبنای اعتماد^{۲۴} استوار است. این برداشت مبتنی بر این پیش‌فرض است که ابتدا باید به نظر ناقد اعتماد کرد و تحلیل او را به شکل نسبی پذیرفت مگر آنکه خلاف آن ثابت شود. بر اساس این نظر در هر صورت اطمینان از نظر ناقد، ولو به صورت نسبی می‌تواند نتایج مثبتی در بررسی اثر به دنبال داشته باشد؛ زیرا خواننده با تکیه بر متنی که در مقابل دارد می‌تواند به تحلیل مناسب دست یازد و در طول مطالعه و پس از آن همواره امکان مشورت با صاحب‌نظران و بررسی بیشتر وجود دارد.

برخی از نقدهای کتاب به خلاصه‌سازی محتوای کتاب به شکل فشرده می‌پردازند و سپس به ارزیابی آن مبادرت می‌ورزند. برخی دیگر به یکپارچه‌سازی نقش‌های مطرح‌شده توجه می‌کنند، یادداشت برمی‌دارند و با به‌کارگیری خلاصه‌ها، بیشتر به بیان نمونه‌ها و مثال‌ها اشاره دارند (پروکتر، ۱۹۹۹) که هر یک از روش‌های مورد نظر در جای خود دارای فواید و سودمندی‌های حرفه‌ای است و در مجموع شرایطی مناسب برای تحلیل اثر فراهم می‌سازد.

به هر حال برای درک مناسب متن لازم است ناقد بیش از یک‌بار به مطالعه اثر بپردازد تا بتواند درک بهتری از منبع اطلاعاتی داشته باشد. ناقد چه از ایده تردید به موضوع اثر بنگرد و چه با تکیه بر نگرش اعتماد، مطالعه بیش از یک‌بار حاوی سودمندی‌های حرفه‌ای است.

خواندن کتاب با دقت برای اولین بار سبب می‌شود تا ایده کلی از مقصود نویسنده و نیز هسته‌های اصلی نظر او مشخص شود. مطالعه کتاب برای بار دوم باعث می‌شود برخی انتظارات وی پاسخ داده شود؛ نظیر هدف و دیدگاه نویسنده و نوع شواهدی که برای اثبات منظر نویسنده به کار گرفته شده است؛ متقاعدکننده بودن شواهد؛ چگونگی شکل‌گیری ساختار کتاب؛ بحث بررسی توسعه آن نسبت به دیگر کتاب‌ها مشابه و موضوعات بر اساس نظم و منطق؛ برخوردارگی تخصص لازم و ضروری نویسنده برای نوشتن کتاب؛ میزان موفقیت‌آمیز بودن تلاش مولف در بیان هدف خود در نگارش متن و ارزیابی نهایی ناقد از کتاب (وبگاه دانشگاه واشنگتن^{۲۵}، ۲۰۰۱).

در اینجا باید به نکته مهمی اشاره کنیم؛ اینکه نگرش همراه با تردید به نقد می‌تواند به خواننده بینشی دهد که با دقت بیشتری به محتوای نقد پرداخته و تلاش کند به برداشتی بهتر و نزدیک‌تر با نظر نگارنده دست یابد. البته باید به این مهم نیز اشاره کرد که این تردید در مطالعه نقد باید در حد متعادل باقی بماند. افراط در این مسیر می‌تواند به نتایج نامطلوبی منجر شود که همواره آراء و نظرات دیگران را در مظان اتهام قرار دهد. بنابراین ایجاد تعادل در این خصوص باید با دقت بیشتری انجام شود تا شخص بتواند میان اندیشه تردیدآمیز و پذیرش آراء ناقد نسبتی منطقی و متعادل برقرار سازد.

سنجش اعتبار نقد

نقد یک اثر - چه اثری علمی، چه فنی و چه هنری - کاری علمی است. کار علمی مبتنی بر روشی علمی و متکی بر مبنای استوار و

تزلزل‌ناپذیری است که از حقایق و واقعیت‌های تردیدناپذیر به دست آمده و تدوین شده است (رفیعی، ۱۳۸۸، ص ۱۷۱). به تعبیر دیگر نقد روشمند است و بر اساس خطامشی مدونی انجام می‌شود. در این میان اجزاء اثربخشی نیز نقش خویش را ایفا می‌کنند. بر همین اساس اعتبار نقد با تکیه بر چنین شیوه‌ای شکل می‌گیرد.

برای سنجش میزان اعتبار نقد باید به عناصر متعددی توجه کرد و از جنبه‌های گوناگون به بررسی اعتبار نقد پرداخت. این عوامل معمولاً در یک فرآیند ترکیبی و در کنار یکدیگر مورد بررسی قرار می‌گیرند و هر یک سهمی در تعیین معتبر بودن نقد دارند. برخی از این عناصر از زمان گذشته مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند و تأثیر خود را در بستر تاریخی بر جای نهاده‌اند.

اینکه آیا اصول خاص نقدی که در گذشته بیان شده برای تمامی زمان‌ها معتبر است یا خیر، جای پژوهش دارد؛ اما این خود حقیقتی است که اعتقاد بر درستی آن قالب بی‌شماری از شاهکارهای ادبی را شکل بخشید و محتوای آثار را نیز تعیین کرد (هال، ۲۶، ۱۳۷۹، ص ۹). به هر حال می‌توان از نتایج ارزشمند پیشینیان بهره گرفت و در فعالیت‌های جاری از آنها استفاده کرد. باید اذعان کرد که از زمره فعالیت‌های دشوار در بررسی متون انتقادی، مطالعه وضعیت نقد و ویژگی‌های آن است. برای ارزیابی یک نقد توجه به زوایای گوناگون ضروری است تا شخص بتواند به قوت و استحکام نقد پی ببرد. از سویی شیوه نگارش و منشی ناقد در نقد و از سوی دیگر تحلیل ارائه‌شده از نوشتار مورد نظر باید مبتنی بر روش‌شناسی علمی باشد. همچنین باید در تمامی مراحل نقد رعایت انصاف در نوشتار به عمل آمده باشد. در این میان تشخیص برخی مسائل در نقد ممکن است به راحتی انجام پذیرد؛ مانند مشکلات نگارشی و املائی. ولی در بحث مربوط به نکته‌های تحلیلی و بررسی ابعاد و زوایای پنهان متن، کار به راحتی انجام نمی‌پذیرد. در این رابطه شناخت کافی از بحث ضروری است تا بتوان نسبت به ارزیابی نقد اقدام کرد.

موقعیت علمی نگارنده نقد^{۲۷}

یکی از معیارهای مهم در سنجش اعتبار نقد متون، بررسی شخصیت علمی نگارنده نقد است. به همین منظور ارائه تحلیلی از دانش و توانایی ناقد در بررسی ضروری است. واضح است که این صرفاً یکی از عناصر تأثیرگذار در بررسی صحت و اعتبار نقد است و در کنار دیگر عوامل قابل بررسی است.

برخی اطلاعات کتاب‌شناختی درباره نویسنده ممکن است قابل توجه باشد. اینکه کتاب از نظر بدیع بودن چه جایگاهی دارد؟ یا بیان این نکته که نویسنده از چه منطقه‌ای است؟ و یا کجا زندگی می‌کند؟ فعالیت‌های نگارشی پیشین او چیست؟ و چگونه تجارب قبلی علمی و عملی خود را در نگارش این اثر به کار گرفته است؟ همگی حائز اهمیت است (وبگاه دانشکده منطقه‌ای گراند پری^{۲۸}). در واقع موقعیت حرفه‌ای و توان علمی ناقد می‌تواند یکی از عوامل اصلی در بررسی اعتبار نقد باشد. به‌ویژه حوزه فعالیت ناقد از منظر

تخصصی و کارهای علمی وی در این زمینه، عنصری تأثیرگذار محسوب می‌شود. در کل انتظار می‌رود منتقد یک متن از قدرت درک و تجزیه مناسب متن برخوردار باشد. از همین رو تلاش ناقد در یک زمینه موضوعی با عنایت به حیطة آگاهی و دانش او قابل ارزیابی است. معمولاً می‌توان شخصیت علمی ناقد را از منظر تخصصی در حکم معیاری قوی و اثربخش برای سنجش اعتبار نقد در نظر گرفت ولی همواره باید نسبت به دیگر عناصر موثر حساسیت داشت و آنها را نیز در کنار این عامل مهم مدنظر قرار داده و در بررسی لحاظ کرد.

شیوه معرفی^{۲۹} اثر

در رابطه با معرفی اثر ناقد می‌تواند از شیوه‌های مختلفی بهره گیرد. این روش‌ها به جنبه‌های خاصی از معرفی توجه دارند. برخی از ناقدان کتاب را به اختصار معرفی می‌کنند و گروهی دیگر با بسط و توضیح بسیار به معرفی اثر مبادرت می‌ورزند. پاره‌ای از ناقدان با بهره‌گیری از واژگان متن به معرفی می‌پردازند و برخی دیگر با استفاده از کلمات خاص خود. ناقدانی هستند که به ترتیب فصلها و بخش‌های متن توضیح می‌دهند و کسانی نیز به روش کلی و خارج از نظم اثر به تشریح مفاهیم همت می‌گمارند. در تمام شیوه‌ها مهم آن است که چارچوب مفهومی اثر به‌خوبی بیان شده و خواننده پیام اصلی متن را دریابد. ممکن است در توضیحی ساده و مختصر، لب مطلب بهتر به خواننده منتقل شود تا در یک شرح مفصل و طولانی که چندان نیز واضح نیست. این مسئله‌ای است که لزوماً باید در نگارش نقد مدنظر قرار گیرد.

در معرفی اثر باید توجه کرد که موضوع اصلی کتاب یا مقاله چیست؟ چه دریافتی از مفهوم کلان آن وجود دارد؟ و برای چه گروهی از خوانندگان نوشته شده است؟ (پروکتر^{۳۰}، ۱۹۹۹) با تکیه بر این عوامل می‌توان به روش بهتری به معرفی اثر همت گماشت.

معمولاً در یک بررسی ساده میان متن و نقد آن مشخص می‌شود که روش معرفی متن تا چه اندازه با نوشتار اصلی مطابقت دارد. این انطباق می‌تواند در نقش معیاری موثر برای تعیین اعتبار نقد مورد استفاده قرار گیرد. زیرا میزان خلوص و شفافیت معرفی و ارائه اطلاعات منطبق بر محتوای کتاب حاکی از دقت و مسئولیت‌پذیری ناقد در نگارش نقد است.

همچنین در معرفی اثر، توصیه کتاب برای دانشجویان و یا متخصصان از زمره مواردی است که باید در این بخش مورد توجه قرار گیرد (وبگاه دانشگاه مانیتوبا^{۳۱}، ۲۰۰۶) تا خوانندگان سطح کتاب را ارزیابی کرده و در ارتباط با مطالعه اثر از این توصیه بهره‌مند شوند.

روش تجزیه و تحلیل^{۳۲} متن

مهم است همواره به‌خاطر داشته باشیم که نقد ابزاری برای خواننده است نه ارائه‌ای در حد و اندازه یک متخصص کارآموده ادبی. پس

یکی از معیارهای مهم

در سنجش اعتبار

نقد متون، بررسی

شخصیت علمی

نگارنده نقد است.

به همین منظور ارائه

تحلیلی از دانش و

توانایی ناقد در بررسی

ضروری است



ناقدی که از روش‌های مناسب برای تحلیل متن بهره می‌گیرد به هسته‌های اصلی نوشتار توجه می‌کند و در همین راستا تلاش می‌کند به محتوای متن و مفاهیم پایه آن دست یابد

از مجموعه توانایی‌ها، مهارت‌ها، نگرش‌ها و منظر ناقد است که در سنجش میزان اعتبار نقد، نقش پُررنگی ایفا می‌کند. بنابراین همواره باید توجه داشت که تسلط ناقد به متن و ارزیابی او تا چه میزان با معیارهای تحلیلی نقد هم‌خوانی داشته و توانسته است از عهده چنین کار مهمی برآید.

باید مراعات مخاطبان را در نظر داشت و به سمت سادگی در نوشتار پیش رفت (وبگاه دانشکده منطقه‌ای گراند پرری). بنابراین اصل مهم در نگارش و تحلیل متن عبارت است از نوشتاری سلیس، روان و قابل درک برای خواننده و لذا در انتخاب روش مورد نظر باید به این امر اساسی توجه داشته باشیم.

بررسی صحت اطلاعات مندرج در نقد

برای سنجش اعتبار یک نقد می‌توان از میزان درستی اطلاعاتی که توسط ناقد ارائه شده به عنوان یکی از عوامل موثر در تعیین میزان اعتبار علمی آن استفاده کرد. بر این اساس اطلاعات ارائه‌شده توسط ناقد در نقش عنصری مهم و معیاری موثر برای سنجش نقد مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای تحلیل چنین اطلاعاتی بهره‌گیری از مبانی علمی ضروری است. در هر شاخه‌ای از علوم و یا فنون، مبانی و اصول شناخته‌شده علمی وجود دارد که می‌توان با تکیه بر آن به ارزشیابی نظرهای نوین و آثار جدید منتشرشده پرداخت. طبیعی است که این بررسی توسط افراد متخصص و آشنا با مباحث مرتبط انجام می‌پذیرد.

در ارتباط با روشی که برای بررسی متن توسط ناقد انتخاب می‌شود می‌توان اهمیت نقد را مورد بررسی قرار داد. در این رابطه شیوه‌های متعددی در تحلیل متن وجود دارد که با عنایت به نظر ناقد و توانایی‌های او شکل می‌گیرد. ناقدی که از روش‌های مناسب برای تحلیل متن بهره می‌گیرد به هسته‌های اصلی نوشتار توجه می‌کند و در همین راستا تلاش می‌کند به محتوای متن و مفاهیم پایه آن دست یابد. لذا در بررسی‌های خود نیز به ابعادی نظر دارد که موقوم محتوای اصلی متن به‌شمار می‌آید.

یک نقد تحلیلی، گزارش یا خلاصه متن نیست. خلاصه‌سازی‌ها یا ارائه گزارش‌ها به بحث درباره مندرجات برمی‌گردد، در حالی که نقد به ارزشیابی نقاط قوت و ضعف کتاب، اعتبار، تفسیر، تشریح و تحلیل باز می‌گردد (وبگاه دانشگاه واشنگتن، ۲۰۰۱). این عوامل در واقع باید مبتنی بر عامل دیگری باشد که عبارت است از بحث بی‌طرفی در بررسی‌های ناقد.

قابلیت درک کتاب، سازماندهی مناسب موضوع و کاربرد واژگان ساده در مقدمه و درگیر ساختن خواننده توسط نویسنده در ارتباط با پیچیدگی‌هایی که متضمن شناخت کلی در خصوص موضوع است می‌تواند در تحلیل بهتر اثر لحاظ شود (وبگاه دانشگاه مانیٹوبا، ۲۰۰۶) و به نوعی با بررسی درستی اطلاعات ارتباط برقرار سازد. در واقع صحت اطلاعات با عواملی چون درک مناسب کتاب در ارتباط است زیرا باید خواننده توانایی شناخت مطلوب اثر را داشته باشد تا بتواند به ارزیابی دست زند. همچنین متون پایه و منابع مرجع^{۳۳} در رشته مورد نظر

بی‌طرفی در تحلیل متن از زمره عواملی است که باید توسط ناقد رعایت شود. زبان نقد زبان اصلاح و ویرایش است نه زبان طعنه و کنایه. توجه به نقاط ضعف، هم‌پای نقاط قوت مهم و تاثیرگذار است. به هر میزان که ناقد به مسائل مربوط به تحلیل کاستی‌ها می‌پردازد باید در کنار آن به عناصر تقویت‌کننده و توانمندی‌های نوشتار نیز عنایت داشته باشد. همچنین باید توجه داشت که روش بررسی متن یعنی نوع نگاه ناقد به متن حاکی

می‌تواند حاوی آگاهی‌های مناسب در این زمینه باشد. این بررسی با توجه به سنجش و ارزیابی میان پاره‌های اطلاعاتی متن و منابع معتبر و مرجع سبب انجام تطبیق مطلوبی در این عرصه خواهد شد که برای اهل فن معیاری قابل اعتماد و رهگشا محسوب می‌شود. باید بیان کرد که بررسی اطلاعات مطرح‌شده با شناخت علمی جاری در آن حوزه که توسط صاحب‌نظران به تأیید می‌رسد در حکم معیاری معتبر محسوب می‌شود. علاوه بر آن اطلاعات موجود در نقد قابلیت بررسی با نقدهای دیگر را نیز دارد.

ناقدان در ارزیابی متن باید به نقدهای دیگر نیز نظر داشته باشند. معمولاً تعداد قابل توجهی از متون بااهمیت توسط افراد مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد. بهتر است ناقد از نقدهای دیگران نیز در تحلیل خود بهره‌گیری کند. به‌ویژه آثاری که توجه جامعه علمی^{۳۴} را به خود جلب می‌کند. ممکن است در حوزه نگارش‌های انتقادی این اعتقاد وجود داشته باشد که اگر متنی توسط یک ناقد بررسی شد نیازی به نقد دوباره آن نباشد؛ ولی به نظر می‌رسد که در موارد متعدد می‌توان از متنی مهم و تأثیرگذار برداشت‌های مختلفی ارائه داد و بررسی‌هایی را از ابعاد گوناگون به انجام رساند. این مورد به‌ویژه در متون علمی انگلیسی‌زبان قابل مشاهده است که از یک اثر مهم نقدهای چندگانه‌ای منتشر می‌شود که هر یک در جای خود دارای اهمیت و ارزش انتقادی است.

روش پردازش^{۳۵} نقد

روش‌هایی که در تدوین نقد متون و فرآیند پردازش محتوای آن استفاده می‌شود در حکم معیاری برای سنجش اعتبار متن است. روش علمی در بررسی نقد متون تابع ضوابط و معیارهای روشمندی است که در فرآیند نقد مورد بهره‌گیری قرار می‌گیرد. روش‌های گوناگونی در نقد متون وجود دارد که ناقدان با توجه به سلاقت و علائق خود از شیوه‌ای خاص تبعیت می‌کنند. روش پرداختن به نقد از این جنبه حائز اهمیت است که حاکی از معیارها و ارزش‌های مقبول ناقد است و او با تکیه بر چنین زیرساخت ذهنی به تدوین و نگارش نقد مبادرت می‌ورزد.

هدف اصلی از نگارش نقد ارزشیابی و تحلیل است. این هدف نیازمند آن است که ناقد بتواند درک، دریافت و نگرش خود را به سوی نقدهای ارزشمند هدایت کند، توصیف مناسب کرده و تأویل خوبی ارائه دهد. همچنین ناقد باید بتواند متن را شناسایی، خلاصه‌سازی و مهم‌تر از همه ایده‌ها و اطلاعاتی را ارزشیابی کند که نویسنده مطرح ساخته (وبگاه دانشگاه واشنگتن، ۲۰۰۱). این اقدام‌ها می‌تواند نقش به‌سزایی در اتخاذ روش‌های سودمند پردازش نقد داشته و ناقد را در این مسیر کمک کند. در واقع با تکیه بر توانایی‌های سنجش و ارزیابی نقد یک نوشتار مفید برای درک محتوای اثر پدید می‌آید.

روش‌های مدون و مبتنی بر روش‌شناسی علمی حاکی از شناخت و آگاهی مناسب ناقد از فرآیند نقد علمی و معتبر است. بر این اساس نقد در قالبی تدوین می‌شود که کمترین میزان سوگیری

و تعصب^{۳۶} را دربرداشته باشد. تسلط بر روش‌شناسی علمی نقد با توانایی تخصصی و فنی ناقد همراه است. در نگارش نقدهای معتبر ناقد بر ابعادی تکیه می‌کند که حاوی بیشترین میزان شناسایی ساختار کلان متن است. به هر میزان که ناقد در پردازش نقد به هسته‌های اصلی و شاخص‌های کلان می‌پردازد و از بیان نکات خرد و جزئی در حجم زیاد و یا توجه بیش از حد به غلط‌ها و مشکلات املائی امتناع می‌ورزد، تسلط او در نگارش نقد و عنایت به اعتبار بیشتر نگارش تحلیلی آشکارتر می‌شود.

از سوی دیگر باید بیان کرد که نقد تحلیلی می‌تواند بر اساس مبنای ارزیابی کتاب، مثبت یا منفی باشد. در نگارش یک نقد ترکیبی از مهارت‌های مربوط به توصیف آنچه که در متن مشاهده می‌شود صورت می‌پذیرد؛ چگونگی تلاش اثر برای قبولاندن مقصودش بررسی می‌شود؛ و پاسخ‌های ناقد تشریح می‌شود (وبگاه دانشگاه واشنگتن، ۲۰۰۱). در این حالت با طرح دلایلی که در متن بیان شده به تحلیل دقیق‌تری پرداخته می‌شود و تا حد زیادی نیز از مشی و روش استدلالی بهره‌گرفته می‌شود.

در ارتباط با ارزشیابی روش استفاده‌شده در نقد می‌توان به شیوه‌های پرداختن به نقد نیز توجه داشت. در این روش‌ها عنایت به روند منطقی و روشمند نقد حائز اهمیت است. پردازش سنجیده و مبتنی بر رعایت چارچوب‌های شناخته‌شده نقد می‌تواند حاکی از پیمودن مسیری قابل قبول و موثر در نگارش نقد به‌شمار آید. مقدمه مناسبی که ابعاد مفهومی نقد را آشکار می‌سازد و تشریح می‌کند و توضیح پیرامون معنا و هسته موضوعی متن از زمره مواردی است که باید با نگارشی روان و مبتنی بر مبانی علمی حوزه مورد نظر تدوین شده باشد. از سوی دیگر تحلیل ساختار اثر و معرفی مناسب آن می‌تواند در تکمیل اعتبار و وثوق نقد نقش به‌سزایی داشته باشد. در کنار آن و مهم‌تر از همه ارزیابی دقیق متن با توجه به ساختار و چارچوب اصلی آن و توجه به جنبه‌های مثبت و منفی در نگارش منبع در سنجش اعتبار نقد بسیار تعیین‌کننده است. در صورتی که این روند به‌صورت منصفانه و با توجه به عناصر تحلیلی و پیشنهادشده برای نقد متون انجام شده باشد باعث قوام و استحکام نقد می‌شود. مطلوب است که نتیجه‌گیری از کلیت متن بوده و حاوی نکات اصلی و کلان در تحلیل ساختاری متن باشد.

بررسی وضعیت سوگیری در نقد

سوگیری نقد در متون علمی از زمره آفت‌هایی است که می‌تواند سودمندی این قالب اطلاعاتی را تحت تأثیر قرار دهد. سوگیری نوعی گرایش به برداشتی خاص از مفهوم مندرج در متن است که معمولاً با تمایل‌ها و سلیقه‌های خاص ناقد همراه است. سوگیری سبب می‌شود ناقد نتواند به کنه مفهوم دست یابد و اغلب نظر خود را با نوعی تعصب‌آلود و یا گرایش خصمانه بیان می‌کند.

ممکن است در آمیزش با اطلاعات نویسنده، اثر به‌صورت خلاصه تحلیل قبلی در ذهن ما ایجاد کرده باشد که باید به شدت از آن پرهیز کرد (وبگاه دانشکده منطقه‌ای گراند پیرری). در برخی موارد ممکن است با توجه به شناخت مناسب مفهوم

برای سنجش اعتبار

یک نقد می‌توان

از میزان درستی

اطلاعاتی که توسط

ناقد ارائه شده به

عنوان یکی از عوامل

موثر در تعیین میزان

اعتبار علمی آن

استفاده کرد

باز هم ناقد اصرار به ارائه برداشتی خاص داشته باشد. همچنین این گزینه نیز محتمل است که شیوه نگارش متن در ظاهر نیز چنین خصلتی را آشکار نسازد. در واقع برای بررسی نقد، شناخت مناسب و تلاش مبتنی بر حسن ظن اولیه می‌تواند به ارتقاء کیفیت نقد منجر شود. زرین کوب (۱۳۷۸، ص ۷۰۵) بیان می‌کند که نقد خوب هزارگانه است و اما نقد بد یک‌گونه بیش نیست و آن نقدی است که عاری از مجاهده صمیمانه و عاری از شناخت صمیمانه باشد. در صورتی که کوشش صمیمانه برای برداشت متناسب و منطبق با مفهوم متن صورت نپذیرد امکان بروز درک نامناسب و غیرمنطبق با متن وجود دارد. چنانچه این امر با قصد همراه باشد و ناقد برخی اغراض را در این بحث وارد کند، در آن حالت می‌توان وجود رگه‌هایی از سوگیری را محتمل دانست.

موضوع تعصب نویسنده در نقد باید به‌دقت مورد توجه قرار گیرد و همچنین تأثیر کتاب باید مشخص شود. اگر مولف دیدگاه خاصی مطرح می‌سازد، تا چه اندازه اطلاعات کافی ارائه شده تا خواننده بتواند درباره شواهد مطرح‌شده توسط او داوری کند (وبگاه دانشگاه کوپین^{۳۷}).

گاه سوگیری به‌صورت عریان و مشخص جلوه‌گر می‌شود و خواننده می‌تواند به‌خوبی از وجود چنین آفتی مطلع شود. در این حالت تحلیل وضعیت تعصب‌آمیز در نگارش نقد کاملاً قابل مشاهده است و خواننده می‌تواند بر اساس آن ارزش نهایی نقد را برای خود مشخص سازد؛ نظیر کاربرد واژگان کنایه‌آمیز یا متهم ساختن به صفتی که معمولاً حاکی از سوءنیت و یا سوءظن ناقد است. خواننده آگاه و باتجربه می‌تواند به‌خوبی این موضوع را دریافته و نسبت به اطلاعات ارائه‌شده در نقد قضاوت کند. ولی در پاره‌ای موارد اندیشه تعصب‌آمیز در نقد به‌خوبی قابل ره‌گیری نیست و سوگیری در سایه لایه‌ای از واژگان به ظاهر علمی و منطقی قرار گرفته است که لازم است با ژرف‌نگری و تدقیق در محتوای متن به معنای اصلی دست یافت. سوگیری پنهان معمولاً تأثیر زیادی بر خواننده دارد زیرا دچار سوءتفاهمی می‌شود که جبران آن به‌راحتی امکان‌پذیر نیست.

در سنجش نقد همواره باید در نظر داشت که ممکن است سوگیری ناقد آگاهانه و یا ناآگاهانه باشد. لزوماً ناقد در درک نامناسب و غلط از محتوا دارای نیت بد نیست. ممکن است در درک مطلوب از متن دچار اشتباه شده باشد. در مواقعی نیز این وضعیت آگاهانه و مبتنی بر قصد ناپسند ناقد است. در شناخت سوگیری می‌توان به ابعاد شخصیتی ناقد، میزان شناخت و توان علمی او در حوزه مورد نظر، تطبیق ادعای او با مبانی علمی و بررسی شیوه نگارشی و دامنه واژگان استفاده‌شده در نقد نیز توجه کرد. به هر میزان که نقد به سمت بیان کاستی‌ها و نواقص متن به‌صورت شدید و تند گرایش پیدا می‌کند و بیان نقاط ضعف با بیانی خصمانه مطرح می‌شود امکان بروز سوگیری نیز تقویت می‌گردد. همواره باید به این نکته اساسی توجه کرد که نقد متون از دیدگاه روش‌شناسی نقد یک حرکت تحلیلی و سنجشی مبتنی

بر انصاف است؛ یعنی نگارش نقد باید به‌دور از تمایل‌ها، خواسته‌ها، سلیقه‌ها و برداشت‌های افراطی ناقد باشد.

آراء متخصصان و صاحب‌نظران^{۳۸}

پژوهشگران و دانشوران باید ارتباط خود را با مخاطبان شایسته برقرار سازند و اندیشه خود را در معرض آراء انتقادی و نقدهای مستقل قرار دهند. معمولاً نتایج پژوهشی و عالمانه به‌صورت وسیع از طریق انتشاراتی چون مقاله‌های مجلات یا کتاب‌ها ارائه، بیان و یا از طریق همایش‌ها و کارگاه‌ها اشاعه و اطلاع‌رسانی می‌شود (وبگاه دانشکده منطقه‌ای گراند پرری). انواع شیوه‌های بیان مطالب علمی توسط متخصصان و اندیشمندان در حوزه‌های گوناگون علمی وجود دارد که شامل ارائه پژوهش‌ها و مطالعات آنان است. در زمینه نقد آراء و متون نیز می‌توان از چنین آثاری بهره گرفت.

می‌توان با بررسی انتشارات مورد نظر در ارتباط با نقدهای موجود حجم اطلاعات ارائه‌شده را بررسی کرده و میزان اظهار نظر مناسب درباره یک مفهوم را به‌دست آورد. علاوه بر آن نوع اطلاعاتی را که عرضه می‌کنند، شناسایی کرد (پارفیت^{۳۹}، ۲۰۰۷). البته ناقدان آگاه و متعهد در نگارش خویش بر نقد و اظهار اندیشه دارای سعه‌صدر و انتقاد بر برداشت‌های صورت گرفته هستند. اساساً ناقدان باظرفیت در اندیشه خود نیز تحلیل را روا می‌دارند و به امکان توسعه و تحول قدرت درک معتقدند. فرای^{۴۰} (۱۳۷۷، ص ۴۱) نیز تصریح می‌کند که منتقدان شرافتمند کسانی‌اند که دم‌به‌دم در ذوق و سلیقه خویش نقص می‌جویند.

علاوه بر آن توصیه شده که برای نقد هر اثر بیش از یک انتقاد از متن اولیه - که مشغول رسیدگی به آن هستید - مطالعه کنید (پیری، ۱۳۸۳، ص ۶۶). اتخاذ این شیوه به‌منظور بهره‌گیری بهتر از اندیشه‌هایی است که توان ارتقاء و پیشرفت مطلوب را در خود دارند. اندیشه صاحب‌نظران با در نظر گرفتن چنین عنصری رو به رشد و بالندگی می‌گذارد و از بروز سوگیری جلوگیری می‌کند. آراء و اندیشه‌های صاحب‌نظران در خصوص یک نقد می‌تواند از زمره معیارهای قابل اعتماد برای سنجش میزان اعتبار نقد باشد. در این رابطه می‌توان به تحلیلی که آنان از صحت و عادلانه‌بودن نقد ارائه می‌دهند به عنوان عنصری موثر در بررسی معتبر بودن نقد اطمینان داشت. به همین منظور نگارش‌هایی که بر نقدهای انجام‌شده به رشته تحریر درمی‌آید از جمله ابزارهای سودمند برای این مقصود است.

در واقع نقد^{۴۱} یا تحلیل یک نقد و بررسی یک نوشتار انتقادی خود می‌تواند متنی راهگشا برای هدایت خواننده و ارزیابی اعتبار اثر به‌شمار آید؛ مشروط بر آنکه این تحلیل از سوی صاحب‌نظر و متخصصی معتبر ارائه شده باشد و یا با مبانی علمی آن حوزه موضوعی هم‌سو باشد. در این قسمت نیز توجه به بحث سوگیری ناقد و عوامل تشخیص آن می‌تواند در تعیین اعتبار نقد مؤثر باشد. با وجود نقش اثربخش نقدهایی که درباره نقدهای

مکتوب می‌توان بیان کرد از این نکته نیز نمی‌توان غفلت ورزید که اظهار نظر متخصصان موضوعی معتمد، یکی از عوامل ارزشیابی نقد بوده و باید در کنار دیگر عناصر سنجش از آن بهره گرفت.

محمل انتشاراتی نقد^{۴۳}

از زمره معیارهای موثر برای سنجش نقد منابع اطلاعاتی می‌توان به محمل و منبعی اشاره کرد که نقد را ارائه می‌دهد. اعتبار منبع مورد بحث از این نظر قابل اعتناست که معمولاً منابع معتبر نقدهای ضعیف و غیرعلمی را منتشر نمی‌کنند و بنابراین وقتی که نقدی در منبعی موثق و مهم به چاپ می‌رسد می‌توان انتظار داشت که احتمالاً تا حد زیادی حائز معیارهای مورد انتظار بوده است. البته باید به این نکته مهم نیز توجه کرد که این معیار در کنار دیگر عوامل بررسی مطرح می‌شود و نقش عناصر قبلی در کنار این عامل قابل بررسی و تحلیل است. در جهان انتشارات همواره یکی از معیارهای اصلی برای سنجش اهمیت و اثربخشی متن، اهمیت و اعتبار ناشر و محمل اطلاعاتی است و می‌توان با در نظر گرفتن چنین شاخصی به بررسی نگارش‌های انتقادی پرداخت.

در خصوص ناشر اثر باید تعیین کرد که چه ناشری به نشر کتاب مبادرت ورزیده؟ آیا کتاب توسط خود نویسنده منتشر شده یا ناشر ضعیفی دارد؟ سنجش خودانتشاری کتاب می‌تواند در برخی موارد با دشواری همراه باشد؛ زیرا نویسنده می‌تواند برای خود تحت نام ناشری برانگیزنده - که البته کار سختی نیز نیست - به انتشار بپردازد، در حالی که با بررسی بیشتر مشخص می‌شود که آن نشر تنها یک تا چند اثر محدود از آن نویسنده منتشر کرده است (سوانسون،^{۴۴} ۲۰۰۲؟) که این امر می‌تواند موجب فریب مخاطب از نظر موضع اعتبار ناشر شود.

نسبی بودن تحلیل‌ها^{۴۵} در نقد

نقد یک رشته علمی است که شامل تفسیر متنی، پژوهش‌های تاریخی و اندیشه نظری می‌شود (هارفم،^{۴۶} ۲۰۰۶، ص ۷). همچنین از نظر تادیه^{۴۷} تأویل و تفسیر جزء متن است (تادیه، ۱۳۷۸، ص ۹). از این رو هم از بُعد تفسیری و هم از منظر اندیشه‌ای که ناقد در باب بررسی متن مصروف می‌کند، نقد با تفکر و نظر ناقد پیوندی ناگسستنی برقرار می‌سازد که در اینجا تلاش برای دست یافتن به معنا و محتوای متن هدف نهایی قلمداد می‌شود. نقد همواره با پرسشی مهم در باب چیستی معنا همراه است. کاوش درباره کنه و ماهیت معنا به میزان شناخت و آگاهی ناقد بستگی دارد. تلاش برای دستیابی به مفهوم واقعی متن و اندیشه پدیدآورنده یکی از فعالیت‌های موثر ناقد است. بلزی^{۴۸} (۱۳۸۴، ص ۱۷۹) توضیح می‌دهد که نقد در تولید معرفت از متن، آنچه را که داده شده فعالانه دگرگون می‌کند. نقد در مقام عملی علمی نوعی فرآیند تصدیق نیست بلکه فعالیتی در جهت تولید معناست.

استخراج مفهوم از دل متن و تطبیق معنا با برداشت ناقد می‌تواند پیچیده‌ترین مرحله تنظیم و تدوین نقد باشد؛ زیرا ناقد

تلاش می‌کند با تکیه بر عناصری به تحلیل متن مبادرت ورزد که برخاسته از تفکر نگارنده و پدیدآورنده اثر است. اینکه ناقد تا چه اندازه می‌تواند در این مسیر موفق باشد به عوامل متعددی بستگی دارد. از یک سو شناخت او از حوزه موضوعی مورد نظر در این عرصه تأثیری مهم در پی دارد و از سوی دیگر قدرت درک و برداشت او از گزاره‌های مندرج در متن و تطبیق آن با پیش‌زمینه دانش و آگاهی‌های او در این عرصه موثر است.

همواره در برداشت‌هایی که ناقد از متن دارد امکان خطا وجود دارد و ناقد باید در درکی که از متن داشته دقت بیشتری صرف کند. معنا همواره در بستری شکل می‌گیرد که دانش و شناخت ناقد آن را تقویت می‌کند. در واقع میزان شناخت ناقد و آگاهی‌های او پایه‌ای برای درک و شناخت معناست. علاوه بر آن معنا آن چیزی است که پدیدآورنده در دل متن به ودیعه نهاده تا قدرت درک، شناخت و آگاهی خواننده او را به معنا رهنمون کند. بنابراین ناقد معمولاً در تحلیل اثر به بخش‌هایی از معنا دسترسی دارد و از همین رو بررسی او منطبق بر درک و شناختی است که از متن به دست می‌آورد. این مسئله به نسبی بودن بررسی در نقد منجر می‌شود و باید پذیرفت که ناقد در فعالیت خود با نوعی نسبییت مواجه است و نقد نیز در ارتباط با ارزشیابی متن به صورت کامل انجام نمی‌شود. اما راهکاری هم جز این نمی‌توان ارائه داد و در تمامی نقدهای مکتوب ما با این موضوع روبرو هستیم. یعنی ناقد همواره به اندازه حیطه توان و شناخت خود به نگارش نقد می‌پردازد و خواننده نیز حداکثر در همین حد می‌تواند به برداشت‌های مفهومی از ارزیابی متن نائل شود. حتی در برخی موارد میان درک خواننده از نقد و سعی و تلاش ناقد در نگارش آن یک جریان منسجم و متعادل وجود ندارد.

نقد با نظام ارزش‌های ناقد پیوندی ناگسستنی دارد. این نظام همواره از دو سو با ارزیابی متن مرتبط است. هم با ویژگی‌های مثبت و هم با خصوصیات منفی. هر دو سوی نظام ارزش‌ها در این زمینه نقش موثری ایفا می‌کنند. بنابراین باید در بررسی معیارهای نقد به این نکته مهم توجه کرد و همواره امکان بروز اختلال در سنجش اعتبار نقد را از این منظر مدنظر قرار داد.

نتیجه‌گیری

نقد منابع اطلاعاتی از جمله فعالیت‌هایی است که در چارچوب معیارهای علمی انجام می‌پذیرد. نقد فعالیتی روشمند و بر اساس ضوابط شناخته‌شده‌ای است که می‌تواند حاوی اطلاعات سودمندی برای حوزه موضوعی مرتبط باشد. نقد چارچوبی برای شناخت نقاط قوت و ضعف متن است و از طریق آن می‌توان به پالایش اطلاعات مبادرت ورزید. این فرآیند سودمند سبب خواهد شد تا متخصصان رشته‌های متعدد علمی به یافته‌های نوینی دست یابند و باب آشنایی با دیدگاه‌های نوین پیش‌روی آنان گشوده شود. بررسی‌های انجام‌شده در یک نقد در ارتباط با محتوای متن می‌تواند از زمره عوامل مهم سنجش اعتبار نقد محسوب شود.

استخراج مفهوم از دل

متن و تطبیق معنا با

برداشت ناقد می‌تواند

پیچیده‌ترین مرحله

تنظیم و تدوین نقد

باشد



**برای اعتمادسازی
نسبت به نقدهای
مکتوب و بهره‌گیری
بیشتر از محتوای
اطلاعاتی آنها ضروری
است با در نظر گرفتن
معیارهای مشخصی
نسبت به سنجش
میزان صحت و اعتبار
نقدها اقدام کرد**

است نسبت به تهیه یک منبع اطلاعاتی اقدام شود و یا از متن آن استفاده مناسب به عمل آورد.

همواره ارزشیابی، تحلیل و بررسی نقد با عنایت به عناصری صورت می‌پذیرد که می‌تواند نشان‌دهنده اهمیت موضوع و نیز تسلط ناقد بر حوزه علمی مورد نظر باشد. از همین رو می‌توان با عنایت به نحوه سنجش محتوای متن در نقد به اعتبار نوشتار ناقد نیز پی برد. ارزیابی مفهومی که ناقد از متن ارائه می‌دهد می‌تواند با توجه به شیوه‌های نگارشی مورد بررسی بیشتر قرار گرفته و ابعادی از نحوه تفکر و شرایط ارزیابی ناقد را مشخص سازد.

پی‌نوشت‌ها

1. Criticism
2. Information resources
3. Strategies
4. Information effectiveness
5. Scientific publications
6. Information accuracy
7. Credibility
8. Scientific development
9. Professional development
10. Powers
11. Procter
12. Systematic
13. Scientific methodology
14. Filter
15. Information structure
16. Critic (Reviewer)
17. Criticism process
18. Critique
19. Conceptual structure
20. Analytical formats

برای اعتمادسازی نسبت به نقدهای مکتوب و بهره‌گیری بیشتر از محتوای اطلاعاتی آنها ضروری است با در نظر گرفتن معیارهای مشخصی نسبت به سنجش میزان صحت و اعتبار نقدها اقدام کرد. به همین منظور شاخص‌هایی در نظر گرفته می‌شود که با تکیه بر آنها نقدهای اثربخشی شناسایی شده که حاوی طرح مباحث نوین و تحلیل مناسب از محتوای متن هستند. معیارهای معرفی شده در این مقاله برخی از موارد مهم و تأثیرگذار را پوشش می‌دهد و ممکن است از دیدگاه ناقدان دیگر بتوان عناصری بر آنها افزود و یا پاره‌ای نکات را حذف کرد.

این معیارها با توجه به برخی شواهد موجود و عناصر قابل مشاهده تدوین شده که از اهمیت خاصی برخوردار بوده‌اند و می‌توان در سنجش نقد متون و منابع اطلاعاتی از آنها بهره گرفت. به نظر می‌رسد که اهمیت بررسی و تحلیل میزان اعتبار و صحت نقد کمتر از ارزش خود نقد و نقشی که در روشنگری حیطه علمی مورد نظر دارد، نباشد. بر این مبنا در نظر گرفتن اعتبار نقد می‌تواند برای خوانندگان حرفه‌ای و متخصصانی که از نتایج آن بهره می‌گیرند دارای اهمیت بالایی باشد؛ زیرا با تکیه بر چنین اطلاعاتی ممکن

- نقد به قلم گروهی از نویسندگان»، تهران، خانه کتاب.
۸. ده بزرگی، غلامحسین. (۱۳۸۴) «نکته‌هایی از نقد ادبی»، تهران، زوار.
 ۹. زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۸) «نقد ادبی: جست‌وجو در اصول و روش‌ها و مباحث نقادی با بررسی در تاریخ نقد و نقادان»، تهران، سخن.
 ۱۰. سخنور، جلال. (۱۳۷۹) «نقد ادبی: شامل ده ترجمه و مقاله»، تهران، رهنما.
 ۱۱. شمیسا، سیروس. (۱۳۸۵) «نقد ادبی»، تهران، میترا.
 ۱۲. فرای، نورتروپ. (۱۳۷۷) «تحلیل نقد»، ترجمه صالح حسینی، تهران، نیلوفر.
 ۱۳. فرزاد، عبدالحسین. (۱۳۸۱) «درباره نقد ادبی»، تهران، نشر قطره.
 ۱۴. واعظی، احمد. (۱۳۸۰) «درآمدی بر هرمنوتیک»، تهران، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
 ۱۵. هال، ورنن. (۱۳۷۹) «تاریخچه نقد ادبی»، ترجمه هادی آقاجانی، محمد فروزانی، فرید پروانه، تهران، رهنما.
 - Grande Prairie Regional College [Website]. How to Write a Book Review. Available: <http://www.gprc.ab.ca/library/Homepage/Help%20With/LSC/LSC%20pdfs/Writing%20a%20Book%20Review.pdf> [Accessed: 16, Aug., 2010]
 - Harpham, Geoffrey Galt (2006) The character of criticism, New York: Routledge,
 - Queen's University [website] (2004). Writing critical Book Reviews. Available: www.queensu.ca/writingcentre [Accessed: 16, Aug., 2010]
 - Parfitt, Jo (2007) How to Write a Book Review. Available: <http://bookshaker.com/hitlist/bookreview.pdf> [Accessed: 16, Aug., 2010]
 - Procter, Margaret [Reviewer] (1999) The Book Review or Article Critique. Available: <http://www.writing.utoronto.ca/advice/specific-types-of-writing/book-review> [Accessed: 16, Aug., 2010]
 - Swanson, Dennis M. (2002?) Appreciating and Writing Book Reviews <http://www.narnia3.com/students/reviews.pdf> [Accessed: 16, Aug., 2010]
 - University of manitoba [Website] (2006) Suggestions for Writing Book Reviews. Available: <http://guides.lib.umanitoba.ca/node/832> [Accessed: 16, Aug., 2010]
 - University of Washington [website] (2001) Guidelines for Writing a Book Review. Available: <http://depts.washington.edu/histwrit/pdf/bkreview.pdf> [Accessed: 17, Aug., 2010]
 21. Scientific criticism
 22. Information record
 23. Suspicion
 24. Confidence
 25. University of Washington
 26. Hall
 27. Scientific position of reviewer
 28. Grande Prairie Regional College
 29. Method of introduce
 30. Procter
 31. University of manitoba
 32. Method of analysis
 33. Reference resources
 34. Scientific society
 35. Method of process
 36. Bias
 37. Queen's University
 38. Opinion of specialist & proficient
 39. Parfitt
 40. Frye
 41. Pirie.
 42. Criticism of criticism
 43. Publication format of criticism
 44. Swanson
 45. Relativity of analysis
 46. Harpham
 47. Tadie
 48. Belsey

مأخذ

۱. اسلامی، حسن. (۱۳۸۳) «اخلاق نقد»، قم، دفتر نشر معارف.
۲. اوجبی، علی. (۱۳۸۸) «عیار نقد: مجموعه مقالاتی در حوزه مبانی نظری نقد به قلم گروهی از نویسندگان»، تهران، خانه کتاب.
۳. بلزی، کاترین. (۱۳۸۴) «عمل نقد»، ترجمه عباس مخبر، تهران
۴. پیری، دیوید. (۱۳۸۳) «چگونه نقد بنویسیم؟ (روش نوین نگارش رساله، نقد دانشگاهی؛ نقد تطبیقی و نقد هرمنوتیک و انواع نقد)»، ترجمه منیره احمد سلطانی، تهران، نشر روزگار.
۵. تادیه، ژان-ایو، (۱۳۷۸) «نقد ادبی در قرن بیستم»، ترجمه مهشید نونهالی، تهران، نیلوفر.
۶. دست‌غیب، عبدالعلی. (۱۳۷۸) «در آئینه نقد»، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری.
۷. داوری‌اردکانی، رضا. (۱۳۸۸) «چیستی نقد»، در: اوجبی، علی (۱۳۸۸) «عیار نقد: مجموعه مقالاتی در حوزه مبانی نظری